

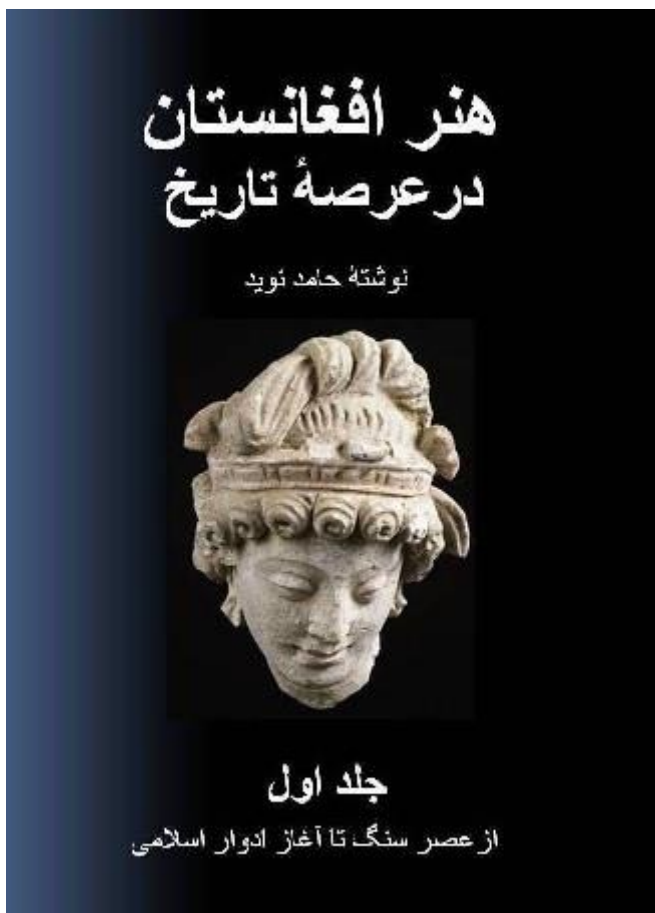


۲۰۱۸/۰۷/۲۷



س. ح. روغ

«هنر افغانستان در عرصه تاریخ» به زبان دری نشر شد



سلام و تعظیم به استاد بزرگ حامد نوید! کتاب «هنر افغانستان در عرصه تاریخ» که استاد حامد نوید نوشته اند یک اثر شاذ و یگانه است.

کتاب استاد نوید در واقع یک کوشش منحصر بفرد است که از اثر قلم یک دانشمند و متخصص افغان درباره سیر هنر و فرهنگ و تمدن در حوزه ما، آفریده شده است؛ نشر دری این کتاب یک حادثه بزرگ در لحظه بسیار حساس کنونی تاریخ وطن ما است. دست بدست هم بدهیم و این کتاب را به همه برسانیم.

کتاب استاد نوید یک مطالعه در تاریخ تمدن حوزه ما است؛ کتاب نوید مسایل اساسی مقام ما در تاریخ تمدن را مطرح میکند. این کتاب اصلاً یک کتاب تاریخ سیاسی نیست؛ و نگاه سیاسی به کتاب استاد نوید، نشانه نادانی و عیب فکر است.

هرکسی آمد و هر ادعایی و هر غالمغالی را «تاریخ سیاسی» نامید؛ رواج این آشفته بازار در میان ما دلایل و عوامل چندگانه داشته است؛ یکی از مهم ترین دلایل این آشفته گویی، و پریشان فکری سیاسی ما، این بوده است که ما تا کنون تاریخ فرهنگ و تمدن این حوزه را در دست نداشته ایم؛ تا نه تنها تاریخنگاری، بل فکر تاریخی ما، و فکر سیاسی ما، را بر یک مبنای مطمئن قرار دهد. این کمبود ما را کتاب استاد نوید رفع می کند؛ از همین نظر کتاب نوید مهم ترین اثر در تاریخنگاری سر زمین ما، با نام کنونی افغانستان، است.

سه اهمیت بسیار بزرگ را بر کتاب نوید بر می شماریم:

یکی این که کتاب استاد نوید، بحیث یک کتاب، نادر و منحصر بفرد است؛ به شمول آثار اروپایی و ایرانی، تا کنون چنین اثری نداشته ایم؛ چشمان خود را بکشاییم!!

دوم این که پس از کتاب نوید، به یقین می دانیم که جریان های هنری و فرهنگی و تمدنی در حوزه ما نه «یکی» بوده اند؛ و نه از «یکطرف» آمده اند؛ حوزه ما مهد جریان های متعدد هنری و فرهنگی و تمدنی بوده است؛ این جریان ها با هم آمیزش و همزیستی داشته اند و پیوند یافته اند؛ اما جریان های جداگانه بوده اند؛

مهم ترین آورده نوید این است که ثابت می سازد جریان فرهنگی که از سرزمین ما سر زده است، نه تنها با جریان فرهنگی که از پارس، و از سند، سر زده است، یکی نیست؛ بل جریان هنری و فرهنگی پارس ریشه در جریان سومر و اکاد داشته است؛ و از این نظر اصولاً فرق دارد با جریان هنری و فرهنگی که از سرزمین ما و از شمالغرب تا شمالشرق حوزه ما سر زده است؛ افغانستان هیچگاه پارس نبوده است؛ پارس، حتی آذربایجان نبوده است! کتاب نوید بررسی هایی را از نو مطرح می کند و نقد می کند که درباره سه حوزه فرهنگی جدا از هم درحوزه ما تا کنون نگاشته شده اند:

- یک حوزه دجله و فرات؛

- دو حوزه سند؛

- سه حوزه سیحون و جیحون؛

- و این که در میان این سه حوزه، **کانون هیرمند، چونان یک حلقه وصل تمدنی** عمل می کرده است؛

کتاب نوید اینک منابع متقن نو بمیان می کشد که بررسی های تاریخی، بمانند آثار پروفیسور هیرمان پارسینگر آلمانی، درباره نخستین کوچ های انسان سهمگین؛ نخستین حاصل برداری ها از زمین؛ نخستین سکونت ها؛ نخستین آبیاری ها؛ نخستین دولتمداری ها در حوزه ما، را از نو جای گزین و جای بجای کرد؛ و از نو سنجید؛

سوم این که پس از کتاب نوید است که برای نقد سرتاسر تاریخ نگاری قرن بیستمی ما، یک ملاک مطمئن بدست آورده ایم؛ چنین یک زحمت بزرگ را استاد نوید بر خود هموار کرده اند!

کتاب نوید می گوید که تمدن از حوزه ما خیز برداشته است؛ و بدون هیچگونه تردیدی، تمدن یکبار دیگر از همین حوزه ما، رستاخیز برداشته است!

کتاب نوید می گوید که ویرانی های کنونی، تمدن قدیم ما را کنونی ساخته است!

کتاب نوید شنیدنی های قدیم را به دید می دهد؛ کتاب نوید، «همه آهنین پا ها» را از تمدن ما شنید می دهد!

کتاب نوید ندا می دهد که افغانستان نه جزیره سکوت بوده است! و افغانستان نه هدیره برهوت بوده است!

افغانستان با زانگوی تمکن، پیمان داری کرده است! افغانستان با گوی تمدن میدان داری کرده است!

کتاب نوید زبان تمدنی یک حوزه ای است، که میزبان تمدن از زیر پای آن خزید؛ و اما زمانه زبان آن را باربار برید!

نوید می گوید از بیرون به کشک نخود بر گردیم! نوید می گوید بدون شک بخود برگردیم!

استاد نوید گرامی! نام تان، نامه همه جاودانگان ما!

